

## یادداشت

بازگشت به "اصلاحات" ارتجاعی و ضد انقلابی است!

صادق کار



عقب نشینی خامنه‌ای از سیاستهای ویرانگر و ارتجاعی و پر هزینه خارجی رژیم در ماه های اخیر و تأیید مذاکرات آشکار و پنهان کارگزاران اش در هفته گذشته و اعلام جزئیاتی از بده بستن های رژیم با دولت آمریکا، شکست سیاستهای فاجعه بار و مخرب و ارتجاعی رژیم و از همه بیشتر شخص خامنه‌ای را عیان تر از پیش کرد.

مردم از مدتها پیش با معلوم شدن اثرات سیاست خارجی رژیم روی زندگی، معیشت و کرامت انسانی و آزادی شان، به صور مختلف مخالفت و بیزاری خود را از این رویکرد و تداوم آن نشان داده بودند ولی گوش شنوایی برای شنیدن صدای شان در میان طراحان و مجریان آن وجود نداشت. حالا اما باعث و بانی اصلی این سیاست شکست خورده، معلوم می شود که از روی ناچاری، بفکر تغییر رویکرد خود افتاده است.

علاوه بر افلاس اقتصادی، وجود جنبش زن، زندگی، آزادی، در چرخش خامنه‌ای نقش تعیین کننده‌ای داشته و دارد. در شرایط وضعیت جنبشی رژیم قادر به تحمل همزمان فشار از خارج و داخل نیست. بهمین جهت سازش با خارج را بر سازش در داخل بیشتر به سود بقای خود تشخیص داده است. از اظهارات مقامات امریکایی نیز چنین بر می آید که آنان نیز حداقل فعلا ترجیح شان به سازش و معامله با رژیم که در موقعیت ناپایداری قرار دارد بیشتر است و تا تنور داغ است و رژیم مستاصل و درمانده تر از گذشته شده، نان خود را به تنور بچسبانند.

این عقب نشینی موجب افزایش فشار و تضعیف موقعیت خامنه‌ای و تندتر شدن اعتراضات نسبت به رژیم حتی در میان جریان‌های اصلاح طلب و روحانی شده است. وسوسه بازگشت به قدرت در میان رانده شدگان از قدرت در موضع گیری های اخیر آنان نمایان است.

روحانی حقانیت مواضع دولت خودش نسبت به برجام را به رخ می کشد و با لحنی متلک گونه میگوید، "خوب است همه فهمیدند نمی‌شود روی موشک شعار نوشت، سفارت آتش زد و دردسر ایجاد کرد خوشحالم با آژانس و عربستان توافق کردند" و در جای دیگری می افزاید، "بدون رای مردم نمی‌توانیم مشکلی را حل کنیم" ال‌ترناتیو او بازگشت به دوران اصلاحاتی است که خود او و حامیان اصلاح طلب اش نیز



نقش کمی در شکست آن نداشتند

او از ملاک بودن رای مردم و انتخابات مشارکتی صحبت می کند، ولی منظور او از رای مردم و انتخابات مشارکتی کما کان همان انتخاباتی است که در دایره تنگ خودی ها یا همان وابستگان به رژیم صورت می گرفت و انتخاب دو دروه خود او محصول همان نظام انتخاباتی ضد دمکراتیک و مهندسی شده ای است که به غیر از وابستگان سرسپرده به حکومت کسان دیگری از حق کاندیداتوریدر آن محروم بودند

نه روحانی و نه خاتمی و هیچیک دیگر از اصلاح طلبان و میانه روهای حکومتی که در این روزها تحت تاثیر نارضایتی گسترده‌ی توده‌ای از عملکرد باندهای حاکم تحت نفوذ خامنه‌ای دچار وسوسه بازگشت به قدرت شده‌اند، نمیخواهند بپذیرد که رای مردم پس از تجربه دوران ۱۶ ساله اصلاح طلبان به برکناری کل رژیم از قدرت تغییر پیدا کرده و اعتقاد شان به اصلاحاتی که معطوف به حفظ رژیم ارتجاعی و قوانین ضد انسانی آن است و به مدعیان اصلاح طلبی از جنس خاتمی و روحانی از دست داده‌اند و به چیزی کمتر از برکناری رژیم مستبد ولایی با همه اجزای آن راضی نیستند

خامنه‌ای و دارو دسته‌اش هم ترجیح می دهند، پاره‌ای از مواضع اصلاح طلبان در مورد سیاست خارجی را به سبک و سیاق خودشان پیش ببرند و اصولا نیازی به باز کردن راه بازگشت اصلاح طلبان به قدرت نمی بینند. کما اینکه گاه و بیگاه صحبت از محاکمه روحانی و خاتمی و غیره هم میکنند

هم اکنون نیز با تصویب قوانین انتخاباتی سختگیرانه تر دارند هر روزه کوچکی برای ورود افرادی که در اطاعت و سر سپردگی شان به دستگاه فقاقت اندکی شک و تردید دارند، به مجلس رومی بندند. اگر اصلاح طلبان و برخی از اشخاط رانده شده از بارگاه ولی فقیه در این روزها جرات زدن حرفهایی را پیدا کرده‌اند که تا چند ماه پیش جرات بیان آن را نداشتند، بواسطه فضایی است که جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و دختران و پسران جوانی است که همه روزه در میادین و خیابانها، مدارس و دانشگاه ها، در زندانها و در محیط های کار و زندگی، مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر اصل ولایت فقیه را فریاد می کنند

بهمین جهت طرح بازگشت به دوران اصلاح طلبی از طریق انجام انتخابات مهندسی شده با حضور خودی ها ی رژیم، در واقع اقدامی ارتجاعی و ضد انقلابی است علیه جنبش انقلابی و اراده و حق انتخاب مردم برای برکناری نظام ناکارآمد دینی وتلاشی است عبث برای حفظ نظامی که کشور ما را در گیر بحران های فاجعه بارو فقر و فلاکت نموده و مسیر رشد و توسعه عادلانه آن را را مسدود کرده است. ماهیت و کارکرد این

نظام ناسازگار با روزگار ما، با اصلاحات جزئی و جابجایی یک ولی فقیه با یکی دیگر تغییر نمی کند. هیچ نظامی بدتر از این نیست که اختیارامورات کشور را به یک آخوند متحجر و مستبد و فاسد و مسئولیت گریز بسپارد و این همه هزینه و فاجعه بر مردم و کشور تحمیل شود

**از اعتصاب کارگران شرکتهای پتروشیمی و نفتی و سایر کارگران و بازنسستگان،  
پرستاران و مطالبات آنان حمایت کنیم!**

**مبارزه متحدانه برای توقف اعدام ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!**

**ما از جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی حمایت می کنیم!**



کار کودک: علل و عواقب تداوم فقر بخش ششم  
برنامه بین‌المللی برای محو کار کودک  
ژان مائینات



دختر بچه مکزیک در کار در مزرعه، عکس از لس آنجلس تایمز

## کار کودک و فقر: نگاهی به کودکان و خانوار – ادامه 2.2

تحقیق حاضر با تبیین کمی درآمد واقعی کودکان کار، یا آنچه ادعا می‌شود به آنها پرداخت می‌شود، "درآمد خانوار بدون کار کودکان" را تخمین می‌زند. لازم به ذکر است که در تحقیق از درآمد خانوار در کاستاریکا با خانواده‌هایی مواجهیم با "درآمد نامعلوم"، به این معنی که درآمد آنها از شغل اصلی که عاید یکی از اعضای آنها می‌شود، نامشخص است. ما این طبقه بندی برای این کشور همچون درصدی از خانواده‌ها با درآمد حفظ کرده ایم. این تحقیق همچنین برخی از خانواده‌ها با درآمد صفر را شامل می‌شود، که خارج از دایره "اندازه گیری فقر" قرار می‌گیرند، با این حال، این گروه از خانواده‌ها نیز مشمول تحقیق حاضر شده‌اند، زیرا در برخی از این خانواده‌ها درآمد حاصل از کار کودکان تنها منبع درآمد آنهاست.

در جدول 1 در پائین، توزیع کودکان کار در رده سنی 5 تا 14 سال بر حسب درجه بندی فقر خانوار و مبتنی بر درآمد خانوار بدون احتساب درآمد حاصل از کار کودکان به دست داده شده است. در کستاریکا، 12.3 درصد از کودکان کار در رده سنی 5 تا 14 سال، به خانواده‌های با درآمد نامعلوم تعلق دارند. از این رو تحلیل ما از این کشور، طبق آنچه در بالا توضیح داده شد، تنها ناظر بر 87.7 درصد خانواده‌هاست که درآمدی برابر صفر یا شناخته شده دارند.

### کستاریکا بولیوی گواتمالا

تعداد کل کودکان کار 49229 414378 519503

درصد 100 درصد 100 درصد 100 درصد

توزیع نسبی

درصد 0.0 درصد 0.0 درصد 12.3 درصد در خانواده‌های با درآمد نامعلوم



درصد 91.7 درصد 83.8 درصد 45.5 خانوار فقیر

درصد 85.0 درصد 60.9 درصد 22.8 زیر فقر مفرط

درصد 6.7 درصد 22.9 درصد 22.7 از فقر مفرط تا فقیر

## خانوار غیرفقیر

از فقیر تا 1.4 فقر 10.2 درصد 3.9 درصد 6.9 درصد

جدول 1: توزیع نسبی کودکان کار 5 تا 14 ساله در سه کشور کستاریکا، بولیوی و گواتمالا

بر اساس درجه بندی فقر خانوار و برحسب درآمد خانوار بدون احتساب کار کودکان

چنان که در جدول بالا دیده می شود، بخش عمده ای از کودکان کار در رده سنی 5 تا 14 سال، متعلق به خانواده های فقیر اند و بخش قابل توجهی از آنها حتی به خانواده های با فقر بسیار حاد تعلق دارند. در اینجا فقر به عنوان "کمبود یا فقدان درآمد" تعریف می شود، به این معنا که درآمد سرانه خانواده برای تهیه کالاها و خدمات اساسی لازم برای زندگی کافی نیست (فقر) و حتی برای تأمین غذای اساسی لازم نیز کفایت نمی دهد (فقر مفرط).

در حالی که در کستاریکا 45.5 درصد کودکان کار متعلق به خانواده های فقیر اند (22.8 درصد به خانواده های با فقر مفرط)، در گواتمالا این رقم برابر 83.8 (60.9 درصد در فقر مفرط) و در بولیوی برابر 91.7 درصد است (85.0 درصد در فقر مفرط). همچنین، دیده می شود که درصد قابل توجهی از کودکان کار به خانواده های با درآمدی کمی بیشتر از خط فقر تعلق دارد. در این گروه، ما 1.4 برابر خط فقر را به عنوان خط مرجع قرار داده ایم.

این اختلافات بزرگ در پدیده فقر در سه کشور مورد بررسی، مؤید یک نتیجه روشن اند: وجود ارتباطی اکید بین کار کودک و فقر، فقر به عنوان عامل تعیین کننده کار کودک.

در جدول 2، تخمین فقر منتج از این مطالعه نشان داده شده است. در اینجا از خطوط رسمی فقر (مثل هزینه سبد غذایی و سایر کالاها و خدمات اساسی)، درآمد خانوار بدون کار کودکان و شامل کار کودکان استفاده شده است. این تخمین به دلایل مختلفی از تخمین رسمی متفاوت است. دلیل اصلی این تفاوت استفاده از درآمد به جای مصرف است. هدف از این مقایسه این است که نشان داده شود کار کودکان در کاهش شاخصهای سراسری فقر، بسیار مؤثر است.

## سطح فقر با احتساب کار کودکان

فقر مفرط فقر مفرط تا فقر فقر تا 1.4 فقر بالاتر از 1.4 فقر کل سطح فقر بدون احتساب کار کودکان

### \*کستاریکا

% فقر مفرط 15.3 % 5.3 % 0.3 % 0.0 % 20.9

% فقر مفرط تا فقر 0.0 % 19.6 % 5.8 % 0.7 % 26.2



% فقر تا ۱.۴ فقر ۰.۰ % ۰.۰ % ۷.۲ % ۴.۹ % ۱۲.۱ %  
% بالاتر از ۱.۴ فقر ۰.۰ % ۰.۰ % ۰.۰ % ۴۰.۸ % ۴۰.۸ %  
% کل ۱۵.۳ % ۲۴.۹ % ۱۳.۳ % ۴۶.۴ % ۱۰۰ %

## بولیوی

% فقر مفرط ۶۵.۱ % ۱۳.۲ % ۱.۹ % ۱.۳ % ۸۱.۵ %  
% فقر مفرط تا فقر ۰.۰ % ۴.۱ % ۳.۰ % ۰.۷ % ۷.۸ %  
% فقر تا ۱.۴ فقر ۰.۰ % ۰.۰ % ۳.۱ % ۱.۹ % ۵.۰ %  
% بالاتر از ۱.۴ فقر ۰.۰ % ۰.۰ % ۰.۰ % ۵.۷ % ۵.۷ %  
% کل ۶۵.۱ % ۱۷.۳ % ۸.۰ % ۹.۶ % ۱۰۰ %

## گواتمالا

% فقر مفرط ۴۷.۴ % ۱۰.۰ % ۰.۰ % ۰.۰ % ۵۷.۴ %  
% فقر مفرط تا فقر ۰.۰ % ۲۱.۶ % ۳.۵ % ۰.۲ % ۲۵.۲ %  
% فقر تا ۱.۴ فقر ۰.۰ % ۰.۰ % ۴.۷ % ۳.۱ % ۷.۷ %  
% بالاتر از ۱.۴ فقر ۰.۰ % ۰.۰ % ۰.۰ % ۹.۶ % ۹.۶ %  
% کل ۴۷.۴ % ۳۱.۶ % ۸.۱ % ۱۲.۹ % ۱۰۰ %

در محاسبات، خانواده های با درآمد نامعلوم منظور نشده اند، اما خانواده های با درآمد صفر منظور شده \*

جدول ۲: تأثیر کار کودکان در تخمین از سطح فقر سراسری خانوار در سه کشور کستاریکا، بولیوی و گواتمالا

**اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!**

**نابود باد استبداد و بی عدالتی!**

**کار، رفاه، آزادی، کرامت انسانی!**



ایجاد اشتغال بهانه است، بی حقوق سازی نشانه است!

صادق



بعد از انتشار برنامه هفتم توسعه و مواد ضد کارگری دولت در هفته های اخیر بحث هایی البته کمتر از حد لازم در خصوص محتوا و پیامدهای مواد مذکور صورت گرفته است. اکثر کسانی که نسبت به این موضوع واکنش نشان داده اند، منتقدین و مخالفان آن بوده اند.

اهمیت قضیه متأسفانه آنطور که باید باشد از طرف نیروهای عدالتخواه مورد عنایت قرار نگرفته و کوششی از طرف جمع وسیعی برای پرداختن به این قضیه مهم را شاهد نیستیم.

عده ای از نیروهای چپ که خود را رادیکال می خوانند اساساً قانون کار را سراپا ارتجاعی می خوانند و به تبع این دید پرداختن به این قضیه را در شان خودشان نمی دانند. این گروه توجه ندارند که تغییر بخش های حمایتی باقی مانده در قانون کار چه اثر مستقیمی روی معیشت و سرنوشت کارگران دارند. مثلاً افزایش سن بازنشستگی که در فرانسه با آن گستردگی فرانسویان علیه اش به خیابان آمدند، را به درستی تحسین و از آن حمایت می کنند، ولی افزایش سن بازنشستگی، لغو بازنشستگی در اکثر کارهای سخت و زیان آور، کاهش مستمری بازنشستگی، احیای قانون ارتجاعی استاد شاگری به طریقی بدتر از ۵۰ سال پیش، نصف کردن دستمزد رسمی و بیمه به مدت سه سال، ظاهراً برایشان اهمیت چندانی که به آنها بپردازند ندارد.

احزاب طرفدار سرمایه داری از لیبرال گرفته تا محافظه کار نیز مانند موارد مشابه سکوت توأم با رضایت در پیش گرفته اند و هر چه را که علیه حقوق کارگر و به سود کارفرما یا بقول خودشان "کار آفرینان" ولو آنهای باشد که ثروت و مکتب شان را از طریق رانت و غارت بدست آورده باشند، تأیید و بعضاً از آن حمایت هم می کنند.





اما کارگرانی که اثرات تغییر قوانین حداقلی موجود را با پوست و گوشت شان لمس می کنند، نسبت به این گونه تغییرات ضد کارگری که می دانند موجب تشدید استثمار و فقر و بیچارگی شان می شود جور دیگری واکنش نشان می دهند.

تغییرات نامبرده اگر از فعل به عمل درآیند بنا به گفته درست تعدادی از کارشناسان و فعالین کارگری همچون رضا شهابی، به منزله تحمیل بردگی نوین است.

بهانه همه تغییراتی که در قانون کار طی سه دهه گذشته بوجود آمده و همین تغییراتی که در برنامه توسعه دولت ضد توسعه رئیسی پیشبینی شده است، ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاری و اشتغال بوده است. با این وصف نه تنها آمار اشتغال بالا نرفته، فرار سرمایه از کشور چند ده برابر کل سرمایه گذاریها بوده است. در عوض سطح زندگی دهها میلیون کارگر بواسطه تغییرات به زیر خط فقر سقوط کرده است و متقابلاً دهها میلیارد دلار از بابت تشدید استثمار نیروی کار و مقررات زدایی به جیب صاحبان قدرت و ثروت واریز شده است. اکثر این ثروت نیز بجای سرمایه گذاری توسط بانیان این سیاستها از کشور خارج و در بانکهای غربی ذخیره شده است.

ضرر این تغییرات استثمارگرانه درست است که بیشتر از همه متوجه کارگران و مزد و حقوق بگیران است، با این همه سهمی از تاوان آن را آنهایی باید بپردازند که بانیان، حامیان و توجیه گران این سیاستهای ارتجاعی و ضد انسانی هستند.

بی جهت نیست که جوانان ترجیح می دهند بجای کار در کارخانه‌ها بی که بی شباهت به اردوهای کار اجباری و مراکز برده داری نیست پی کار آزاد بروند و زیر بار کار در کارخانه‌ها نروند.

در آمد سرمایه دار ناشی از ارزش اضافی نیروی کار، امکانات کشور و عرضه و فروش کالاهایی است که تولید می کند. بنا بر این این مردم نیستند که به او محتاج هستند، سرمایه دار است که به مردم وابسته است و بدون مردم هیچ است.

هم اکنون با وجود به اجرا در نیامدن تغییرات، فقر و فلاکت و بیچارگی و بزهکاری و نا امنی در کشور بیداد می کند. مردمی که امکان زندگی انسانی و شرافتمندانه با چنین قوانینی از شان گرفته می شود مجبورند از طرق دیگری معاش خود و خانواده هایشان را تامین کنند و در آن صورت امنیتی برای هیچکس ولو با پادگانی کردن شهرها باقی نمی ماند. ابلهان طماعی که در پشت این برنامه‌ها قرار دارند، اگر فهم و شعور و شناخت کافی از کشور داری داشتند، کشور را به وضعیت فاجعه بار کنونی در نمی آوردند. آری ایجاد اشتغال بهانه است، حقوق کار نشانه است.

**ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!**

**به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!**

مبارزه صنفی خوب ولی ناکافی است!

صادق



کارگران بازنشسته مخابرات طی یکی دو ماه اخیر هفته‌ای نیست که بطور همزمان در چندین شهر و مرکز استان دست به اعتراض زده باشند. این هفته نیز آنان در چندین شهر تجمع های اعتراضی شان را ادامه دادند، با این وصف تا کنون دولت به خواسته هایشان جواب مثبت نداده است.

بازنشستگان تامین اجتماعی نیز که سابقه طولانی تر در اعتراضات دارند نیز هر هفته در چندین شهر تجمع و اعتراض خیابانی به راه می اندازند. برخورد حکومت با آنان هم مشابه بازنشستگان مخابرات است.

اعتراضات صنفی در کشور پدیده‌ای است همه روزه و گسترده و متنوع. کمتر روزی را می شود سراغ گرفت که بدون یک تا چند اعتصاب به شب برسد. خصوصیت اعتراضات اخیر تنوع آنها از لحاظ کار و شغل است. از کارگر و معلم و پرستار، تا راننده، آتش نشان، مترو ران، کارگر خدمات شهری و ساختمانی، تا کارکنان برق سراسری و بازنشسته‌و... در اعتراضات شرکت دارند. مطالبات همگی معترضین به رغم برخی تفاوت‌های ظاهری شان، مربوط به دستمزد و حقوق و معیشتی هستند.

خواسته هایی مانند، همسان سازی، رتبه بندی، طبقه بندی و غیره نیز مرتبط با دستمزد و حقوق و ناظر بر افزایش قدرت خرید هستند و در مقوله دستمزد می گنجند.

اساسا در گیری اصلی میان کارفرمایان اعم از دولتی و خصوصی نیز بر سر مزد است. اضافه کاری، حق اولاد، کمک هزینه مسکن نیز مرتبط با دستمزد هستند. دستمزد نه تنها در دوران اشتغال بلکه در دوران بازنشستگی و میزان حقوق بازنشستگان اثر می گذارد.

اثر دستمزد و حقوق ها روی مستمری های بازنشستگان در این روزها که شاهد اعتراضات خیابانی بازنشستگان هستیم بیشتر حس می شود. دلیل گستردگی اعتراضات بازنشستگان به غیر از دولت و کارفرمایان، بر می گردد به کم توجهی اغلب کارگران به اهمیت آن در دوران اشتغال. دستمزد مکفی که





بشود هم با آن زندگی کرد و هم در دوران بازنشستگی بشود مستمری و زندگی مناسبتری داشت حائز اهمیت بسیاری است.

در زمان اشتغال کارفرمایان در بخش خصوصی برای پرداخت سهم بیمه کارفرمایی کمتر به تامین اجتماعی، عموماً مبلغ دستمزدی را که به بیمه رد می کنند کمتر از دستمزد واقعی کارگر است. آیتم های مزدی مانند حق اولاد، مسکن و دستمزد ساعات اضافه کاری را نیز در لیست بیمه رد نمی کنند که همه این ها در مستمری دوران بازنشستگی اثر منفی می گذارد و باعث کاهش مستمری و فشار اقتصادی به بازنشستگان می شود.

یکی از دلایل کسرتزدگی اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی به این قضایا مربوط می شود. نکته دیگر بر می گردد به نحوه محاسبه حقوق های بازنشستگی در هنگام بازنشسته شدن. تا مدتی پیش میانگین جمع دستمزد دو سال آخر مبنای مستمری بود، اما حالا قصد دارند ۲ سال را به ۵ سال تبدیل کنند. یعنی میانگین ۶۰ ماه را می خواهند پس از استخراج به بازنشسته بدهند. با این تغییر میانگین حقوق بازنشستگی به نسبت ۲ سال افزایش کاهش پیدا می کند. این تغییر در برنامه هفتم توسعه به تصویب دولت هم رسیده است. این تغییر در شرایطی قرار است به اجرا درآید که هم اکنون بازنشستگانی که بر اساس قانون فعلی بازنشسته شده اند، بخاطر مستمری های فعلی با دشواری تامین هزینه های زندگی روبرو هستند. علت اصلی اعتراضات آنها نیز همین است. اگر فشار معیشتی نبود این همه اعتراض لازم نبود. فقط این تغییر هم نیست که روی مستمری ها اثر منفی می گذارد، افزایش سن بازنشستگی که آن هم قرار است افزایش پیدا کند نیز هم روی مستمری و هم سلامت و هم هزینه های بازنشسته اثر منفی خواهد گذاشت. یکی از بدترین تغییرات در برنامه ۷ ساله توسعه نصف کردن بیمه کارگران در ماده مربوط به استاد شاگردی است که بر مبنای آن کارفرما به مدت ۳ سال علاوه بر نصف کردن دستمزد در ازای هر سال کار فقط بابت نیم سال بیمه برای کارگر رد می کند. کارشناسان می گویند این سه سال کار با نصف دستمزد و بیمه، باعث می شود که کارفرما بعد از سه سال از همین قانون برای نصف کردن دستمزد و بیمه و ندادن آیتم های مزدی سئواستفاده کند. که خواهد کرد، بویژه اینکه سن معینی برای شاگرد هم در نظر گرفته نشده.

هم اکنون نیز در تعدادی از کارخانه ها از جمله در کارخانه، هیپکو، فروآلیاژ ازنا، سیمان درود اعتراضاتی علیه این تغییرات ارتجاعی و ضد کارگری شروع شده است و انتظار می رود تعداد اعتراضات بیشتر شود.

خلاصه کرده باشم، مبارزه و اعتراض کارگر در زمان اشتغال است که می تواند در افزایش مزد و مستمری دوران بازنشستگی اثر داشته باشد. زمانی که کارگر بازنشسته می شود و دیگر نقشی در تولید ندارد، اثرات اعتراضاتش هم تقلیل پیدا می کند زیرا قادر به متوقف کردن چرخ تولید برای اعمال فشار به دولت و کارفرما نیست.

در مورد اعتراض به تغییر قانون بازنشستگی نیز قضیه به همین صورت است. این عوامل باعث می شود حکومت به اعتراضات بازنشستگان اهمیت لازم را ندهد. با این وصف حمایت و همراهی بازنشستگان با اعتراضات سیاسی جنبش جاری می تواند رژیم را وادار به پذیرش مطالبات بازنشستگان نماید. مبارزه صنفی حتی در مورد آنهایی که می توانند، تولید را متوقف نمایند در رژیم اسلامی به تنهایی راه گشا نیست و تلفیق مطالبات سیاسی با صنفی است که می تواند رژیم را به عقب براند.



پیام کنگره‌ی سوم حزب چپ ایران به کارگران، مزد و حقوق بگیران: متشکل و متحدانه مبارزه کنید تا پیروز شوید!

پیام کنگره سوم حزب چپ ایران به کارگران و مزد و حقوق بگیران



کنگره‌ی سوم حزب چپ ایران بار دیگر حمایت و همبستگی قاطع حزب چپ ایران از مبارزات حق طلبانه و شجاعانه علیه تعرضات مداوم رژیم و سرمایه داران به حقوق و معیشت شما را که موجب وخامت روز افزون وضعیت معیشتی و شغلی و تشدید استثمار شما شده است، اعلام می دارد.

دفاع از حقوق و مطالبات کارگران، مزد و حقوق بگیران و مبارزات آنها از وظایف اصلی و اولویت‌های حزب چپ ایران است. حزب ما خود را متعهد و موظف به حمایت از مبارزات و تلاش‌های شما برای تامین حقوق خود و شرایط کاری شایسته همراه با برخورداری از کرامت انسانی می‌داند.

کنگره‌ی حزب چپ ایران در شرایطی برگزار می‌شود که تعرض لجام گسیخته به حقوق شما و تلاش برای تحمیل بی حقوقی بیشتر به شما در اوج خود قرار دارد و از سوی دیگر اعتراضات شما علیه دستمزد و حقوق‌های زیر خط فقر، سرکوب فعالین تشکلهای مستقل، قراردادهای اسارتبار موقت، نداشتن امنیت شغلی و اجتماعی، کار پیمانی و شرکتی، و سقوط مداوم قدرت خرید در اثر تورم لجام گسیخته و مبارزه برای آزادی کارگران و معلمان و دیگر زندانیان مدنی و سیاسی نیز گسترده شده است.

ما از مبارزات شما برای همسان سازی واقعی حقوق بازنشستگی، رتبه‌بندی معلمان، آزادی فعالین کارگری زندانی، داشتن حق تشکل، اعتصاب و اعتراض، امنیت شغلی، لغو کار پیمانی و شرکتی تا آزادی‌های اساسی که بتوانید در پرتو آن به‌طور شایسته به‌دور از دغدغه‌ی زندان و اخراج از حق و حقوق خود دفاع کنید، حمایت می‌کنیم.

مبارزات پیگیرانه‌ی شما در طول سال‌های اخیر اگرچه توانسته روند تعرض رژیم برای برقراری بی‌قانونی، بی‌حقوقی و تبدیل مراکز کار به اردوگاه‌های برده‌داری را کند نماید، ولی به عللی چون محرومیت از حق تشکل، اعتصاب و سرکوب شدید فعالیت‌های سندیکایی و احزاب کارگری، هنوز موفق به درهم شکستن تعرض رژیم و کارفرمایان که اکثریت شما مزد و حقوق بگیران را به زیر خط فقر رانده و باعث تشدید استثمار بیش از پیش نیروی کار گردیده، نشده است.



تعرض به حقوق کار و به حداقل رساندن دستمزدها از هنگام یک دست‌سازی حکومت به رغم گسترش اعتراضات حدت بیشتری پیدا کرده است. رژیم نه تنها از اجرای قانون کار نیم بند موجود شانه خالی می‌کند، بلکه در نظر دارد در لایحه برنامه ۵ ساله‌ی هفتم به مانده‌ی حقوق شما را به کلی از میان بردارد. افزایش سن بازنشستگی و بازنشستگی کارهای سخت و زیان آور، احیای روابط اسارت‌بار استاد شاگردی، کاهش حقوق بازنشستگی، لغو حداقل دستمزد، از جمله مواردی هستند که حکومت در نظر دارد در برنامه‌ی هفتم آن‌ها را عملی کند.

در صورت تصویب برنامه‌ی ضد کارگری هفتم رژیم، شما از حداقل حقوق تان محروم خواهید شد. از میان برداشتن حقوق کارگران قدم اول است. اگر رژیم در این کار توفیق پیدا کند، به زودی همین برنامه را در مورد کارکنان و کارمندان دولت نیز اجرا خواهد کرد. یگانه راه شما مزد و حقوق بگیران مبارزه‌ی گسترده و سازمان‌یافته‌ی جمعی است. با تشکیل کمیته‌های اعتصاب و برپایی اعتصاب، تعرض ارتجاع و استبداد و دشمنان تبهکار آزادی و عدالت اجتماعی را در هم بشکنید. به هر طریق ممکن خود را متشکل و متحد کنید. بدون تشکیل اتحادیه‌های نیرومند نمی‌توانید در مقابل تعرض رژیم به حقوق و دستاوردهای مبارزاتی جنبش کارگری مقابله کنید.

برای برکناری رژیم سرکوبگر و عدالت ستیز جمهوری اسلامی، این دشمن آزادی و عدالت اجتماعی، از مطالبات آزادیخواهانه و برابری طلبانه‌ی جنبش زن، زندگی، آزادی حمایت کنید. رهایی شما از فقر و تنگدستی و بی‌حقوقی در گرو پیوند زدن مطالبات اقتصادی با مطالبات سیاسی است که جنبش زن، زندگی، آزادی آن را پی می‌گیرد. پیروزی همه‌ی گروه‌ها و جنبش‌های اجتماعی خرد و کلان در متحد شدن و مبارزه‌ی مشترک علیه رژیم مستبد، تبهکار، فاسد و قوانین ارتجاعی و ضد انسانی برآمده از آن است. متحد و متشکل شوید تا پیروز شوید!

## کنگره‌ی سوم حزب چپ ایران، زن، زندگی، آزادی

خرداد ۱۴۰۲ - ژوئن ۲۰۲۳



شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت  
اعتراف به شکست در برابر گسترده‌ی اعتصاب ما

اخیرا نامه‌ای افشا شده از مکاتبات وزارت اطلاعات با معاون اول دولت در رسانه‌ها منتشر شده که حاکی از ترس و وحشت از گسترش اعتصابات ما کارگران پروژه‌ای و حضور هزاران کارگر معترض در مناطق مختلف است که به اعتصاب پیوستند.

در این نامه خیلی محرمانه اعتراف کرده اند که تا تاریخ ۱۲ اردیبهشت بیش از ۱۲ هزار کارگر تنها در منطقه پارس جنوبی وارد اعتصاب شده اند و علیرغم فشار و تعیین ضرب‌الاجل پنج روزه شورای تامین استان بوشهر برای بازگشت کارگران اعتصاب‌کننده به سر کارشان، تا روز هشتم اردیبهشت فقط حدود ۳۰۰ نفر به محل کار بازگشتند.

بقیه محتوای نامه هم بر گسترده‌ی روند صعودی و تداوم اعتصاب ما دلالت دارد.



این نامه یک اعتراف بزرگ به شکست سیاستهای سرکوب کل دستگاه حاکمیت است و نشان می دهد همبستگی و متحد بودنمان تا چه اندازه می تواند از نیروی قدرت سرکوبگران و ترفندها و فشارهای آنها بیشتر باشد...



تشدید پیگرد فعالین صنفی معلمان جلوه دیگری از شکست سیاست سرکوب است یکی از علل اصلی تشدید سرکوب رهبران تشکلهای صنفی و معلمان، حمایت بی دریغ و موثر آنها از جنبش، زن، زندگی، آزادی و بخشی از تلاشهای رژیم برای سرکوب جنبش جاری سراسری است.



فراخوان اسماعیل عبدی از داخل زندان برای برگزاری مجامع عمومی تشکل ها اسماعیل عبدی: برگزاری مجامع عمومی تشکل های صنفی، در اولویت کانون ها و انجمن های صنفی باشد یکشنبه، ۱۸ ژوئن ۲۰۲۳ - 09:50

انتظار می رود که کانون های عضو شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان ایران، به رغم شرایط شکننده و کارشکنی های حاکمیت با ابتکار عملی شایسته، زمینه ی برگزاری مجامع عمومی را فراهم



نمایند. تلاش در این مسیر و برنامه‌ریزی حساب‌شده برای تحقق آن با برگزاری انتخاباتی غیرگزینشی و ایجاد فرصت برای حضور چهره‌های جدید و انتخاب هیئت مدیره‌های پویاتر از وظایف تاریخی همه تشکل‌های سراسر کشور است.

بی‌تردید عضویت در هیئت مدیره‌ی تشکل‌ها امانتی بوده و هیچ‌یک از ما به‌شکل دائمی معلمان را نمایندگی نمی‌کنیم، کانون‌ها ملک شخصی هیچ‌کدام از ما نیستند و ما در واقع مستاجران صنفی در معیت کنشگران صنفی سراسر کشور هستیم.



تجمع شماری از کارگران ابنیه فنی راه آهن جنوب شرق یک منبع کارگری در راه‌آهن استان جنوب شرق به خبرنگار ایلنا، گفت: شماری از کارگران ابنیه فنی راه‌آهن جنوب شرق، که تحت مسئولیت یک شرکت پیمانکار مشغول کارند، صبح امروز با حضور در محدوده محل کار خود به معوقات مزدی و تعدیل از کار گروهی از همکارانشان توسط کارفرما اعتراض کردند.

**از مبارزه کارگران برای انحلال شرکتهای پیمانکاری و واسطه‌ای و علیه قراردادهای  
موقت تحمیلی حمایت می‌کنیم!**

**کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!**

**\* برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

**\* "جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را  
می‌توانید در آدرس زیر ببینید:**

**<https://bepish.org/taxonomy/term/457>**